

”

بعد از تست‌های متعدد و ارزیابی‌های دقیق، نهایتاً تلاش‌هایمان در سال ۹۸، به ۲ رقم برنج به نام‌های روشن و شهریار منتج شد؛ برنج‌هایی که به افتخار دو دانشمند هسته‌ای، شهید مصطفی احمدی روشن و شهید مجید شهریاری نامگذاری شده بودند. رقم روشن با استقبال کم‌نظیری از سوی کشاورزان و شایکاران استان‌های برنج‌خیز کشور مواجه شد و تقاضای بالایی برای این بذر به وجود آمد

راضی بودی خودت در سال‌های بعدی بذر را توسعه بده. ولی خودش رفته بود و از جاهای دیگر پیدا کرده بود و بذرش را به ۱۰ کیلورسانده بود؛ تمام دوهزار متر زمینش را از همین رقم روشن کاشت. با اینکه زمینش منطقه سردسیری در گیلان بود، ولی آنجا هم خوب جواب داده بود؛ حالا خودش مروج این رقم شده است.

سال ۹۷ به شهر «خان‌بین» استان گلستان رفتیم برای بازدید از مزرعه. خود کشاورز گفته بود که ما با نیروهای جهاد کشاورزی هماهنگ می‌کنیم، شما به اتفاق این دوستان جهاد بیایید. وقتی به کارشناسان جهاد گفتیم ما آمدیم چنین رقمی را ترویج کنیم و بعد به کشاورزها آموزش بدهیم، گفتند «چه رقمی؟ ما اصلاً چنین چیزی نداریم و نمی‌شناسیم!» گفتیم بابا کشاورزهای شما خودشان تماس گرفته‌اند که دو سال است دارند کشت می‌کنند؛ یعنی عملاً کشاورزها، جلوتر از کارشناس‌های جهاد بودند.

الان دیگر رقم روشن را کشاورز کاملاً می‌شناسد و جا افتاده است. خیلی از کشاورزها رقم طارم را که رقم تاپ منطقه است و طی چندین سال کشت و کار می‌شده و از کیفیتش مطمئن بودند را کنار گذاشته‌اند و رقم روشن را می‌کارند.

بازار سیاه برای محصول خوب

یک مشکل ما در آن سال‌های ابتدایی، بازار سیاه و تقلبی رقم روشن بود؛ چون دانش فنی پشت این کار و به تبعش قیمت محصول ما در آن سال‌ها بالا بود. یک بازار سیاهی تشکیل شده بود. این رقم را می‌گرفتند با رقم دیگر مخلوط می‌کردند و می‌فروختند. کشاورزی می‌آمد از یک فردی بذر می‌گرفت به اسم بذر روشن. بعد می‌رفت به جهاد کشاورزی و به جاهای دیگر می‌گفت بذر روشن کاشته‌ام و عملکرد نگرفته‌ام. کارشناسان ما که می‌رفتند ارزیابی می‌کردند، می‌دیدند این رقم روشن نیست. این دلالت‌های متأسفانه جزو مواردی بود که ما را اذیت می‌کرد. ما در

کردیم. از صداوسیما استانی و دوستان خبرنگاری که بودند، در بحث رونمایی دعوت شد. اعلام عمومی کردیم و به هر کشاورزی که مراجعه می‌کردیم، ۲ کیلو بذر دادیم؛ گفتیم شما بپرید در ۲۰۰ متر ۳۰۰ متر کشت انجام بدهید، اگر راضی بودید خودتان بذرش را تولید و بعد هم به سایر کشاورزها معرفی کنید. این رویه تقریباً ۲ سال طول کشید. ولی چون رسانه هم به کمک ما آمده بود، سریعاً متقاضی زیاد شد. خود صداوسیما هم دائماً از مباحث پژوهشی دانشگاه پیگیری می‌کرد و به خصوص در بحث انرژی هسته‌ای و در روزهایی مثل روز ملی انرژی هسته‌ای، دنبال این بود که ببیند چه محصولاتی از این انرژی هسته‌ای به دست مردم می‌رسد. در واقع رسانه بیشتر دنبال ما بود.

استقبال کشاورزان

برای ترویج در استانهای گیلان و گلستان، اول نمونه بذر را به جهاد کشاورزی دادیم که آنها را در مزارع آزمایشی خودشان تست کنند. بعد از اینکه تست کردند و ما دنبالشان رفتیم که جواب بدهند، متأسفانه همکاری نشد. ازشان خواستیم که کشاورزان پیشرو را به ما معرفی کنند، اما این کار را هم نکردند. با وجود این عدم همکاری‌ها، از گیلان و گلستان، خوزستان، لرستان، اردبیل، خراسان و الموت، کشاورزها خودشان پیدايمان کردند و سراغمان آمدند. حضوری فرصت نشد به خوزستان برویم، ولی مستنداتش را از طریق پیام‌رسان‌ها برایمان می‌فرستادند. مادر مازندران اول خزانه می‌گیریم، بذر را یک جایی آماده‌سازی می‌کنیم، تا فرآوری شود و بعد این را انتقال می‌دهیم، کارگر یا دستگاه می‌آید نشاء می‌کند. اما در خوزستان بذر را مثل گندم می‌پاشند و بعد آب می‌بندند. آنها هم با بذر ما و این روش کاشت، خوب جواب گرفتند و آن را توسعه دادند. برایمان ثابت شد که برای کشت این رقم، روش‌های مختلف غربابی و خشک‌کاری و حتی سیستم آبیاری بارانی هم جوابگو است.

یادم است در فومن به یک کشاورز ۲ کیلو بذر دادیم. چون بذر کم بود، گفتیم اگر

